

## گسترش افراط گرایی در هرات باستان

طبق اطلاع آژانس های خبر رسانی معتبر داخلی و خارجی، از جمله: "B.B.C"؛ کنسرت شفیق مرید هنرمند پرآوازه کشور در هرات پس از اعتراض یک روحانی متحجر و بنیادگرا، لغو شد.



در سرویس خبری فارسی "بی . بی . سی" آمده است: کنسرت شفیق مرید پس از آن لغو شد که شماری از روحانیون از جمله یک روحانی به نام مجیب الرحمن، برگزاری چنین کنسرت هایی را ترویج فحشا خواند و از مردم خواست به این کنسرت نروند و جلو برگزاری آن را بگیرند.

در خبر آمده است که : شفیق مرید نیز تائید کرده است که کنسرت او که قرار بود روز سه شنبه ۳۱ اسد روز سوم عید رمضان در شهر هرات برگزار شود، لغو شده است. مقام های محلی در هرات پس از اعتراض شماری از کسانی که در حمایت از این روحانی گردهم آمده بودند، کنسرت شفیق مرید را لغو کردند. آقای مرید گفته است، برای خود، مردم و بویژه مردم هرات متاسف است. او تاکید کرده که اگر مساله تنها خود او بود، به هر قیمتی این کنسرت را برگزار می کرد؛ اما به

گفته او پای هزارها نفر از هواداران و شهروندان هرات در میان است و اگر مشکلی پیش بیاید خود را مسوول می داند.

آقای مرید در پیام کوتاهی که روی سایت یوتیوب نیز منتشر شده از هوادارانش عذر خواهی کرده و گفته است که در فرصت های دیگر به شهر هرات خواهد آمد و برای مردم این شهر کنسرت اجراء خواهد نمود. او همچنین گفته است که نام کنسرت او "یک تبسم" بود و می خواست لبخندی را به مردم هرات هدیه دهد؛ آرزو داشت تا آهنگ الله و اکبر را بخواند؛ آهنگ های میهنی اش را برای جوانان، کودکان و زنان سرزمین باستانی و فرهنگ دوست هرات تقدیم نماید.

هرات از ولایت هایی فرهنگ دوست کشورماست، که علاقه مندی به موسیقی در میان شهروندان آن به میزان گسترده وجود دارد، لغو این کنسرت اعتراض های گسترده هواداران او را به دنبال داشته است.

### **بازتاب لغو کنسرت در بین طرفداران شفیق مرید:**

لغو کنسرت شفیق مرید، در انترنت و شبکه های اجتماعی از جمله فیسبوک، بازتاب گسترده ای داشته است. طرفداران شفیق مرید او را هنرمندی پایند به فرهنگ و اخلاق اسلامی و افغانی دانسته و نوشته اند که شفیق مرید کسی است که بیشترین آهنگ هایش را، در عشق میهن و در رابطه به وحدت ملی، اختصاص داده و در کلیپ های ویدیویی او از رقص زنان و دختران خبری نیست.

یک خواهر ما در فیسبوک خود نوشته است: "هر آنچه به عنوان واقعیت می بینیم، مردم شریف هرات به شکل اکثریتی همراه [با چنین فتوهای فرهنگ ستیزانه] نیستند؛ با چنین دیدگاه ها با چنین برخورد ها، جامعه روحانیت در مجموع با مسائل که روز سوم عید اتفاق افتاده است همراه نیستند. این نوع حلقات که نگاهی با شدت رادیکال دارند به هر حال تلاش میکنند واژگونی از وضعیت را به نمایش بگذارند و یا هم با یک نوع برخورد از آدرس دین تلاش میکنند که وضعیت تلخ را بوجود بیاورند که جامعه روحانیت هرات در مجموع با روحانیون تندرو همصدا و هممنظر نبوده اند و نیستند."

یکتن از مقامات پیشین وزارت خارجه افغانستان و استاد دانشگاه آمریکایی در کابل در فیسبوک خود در مورد لغو این کنسرت نوشته است:

"آن چه که اهمیت ندارد، قدرت فراقانونی یک فرد نیست که این اجازه را به خود می دهد تا مقامات یک شهر، جوانان و هنر دوستان آن را مورد تهدید قرار دهد. مهم تر از همه عکس العمل مردم و مقامات محلی می باشد. آیا آنها می خواهند در قرن بیست و یکم و عصر فتح سیاره مریخ مانند یک انسان زندگی انسانی داشته باشند یا گوسفندوار تسلیم امر و نهی یک چهره مرموز استخباراتی و یا قربانی حملات انتحاری همکاران و همفکران چنین افرادی شوند؟".

همچنان یک کاربر دیگر در فیسبوک خود نوشته است، کسانی که به برگزاری کنسرت شفیق مرید در هرات معترض بودند، شمارشان اندک بوده در حالی که هزاران نفر می خواستند در این کنسرت شرکت کنند. از نظر این منتقدان، مقام های محلی هرات خواست معترضان را پاسخ مثبت داده؛ اما به خواسته هزاران شهروند هرات که خواستار برگزاری این کنسرت بودند، توجهی نکرده اند.



**خواننده عزیز! مشکل بزرگی در میهن ما افغانستان این بوده است، که شمار بیشتری از قشر روحانیت سرزمین ما، نسبت دوری و یا عدم دسترسی به پروگرامهای علمی و هنری رادیو و تلویزیون وسایر رسانه های جمعی و اینترنت؛ برداشت درست و واقعی از هنر و یکی از بخشهای مهم آن "موسیقی" ندارند و تفکر آنان دراین رابطه، بربنیاد پندارهای واهی و التقاطی عصر حجر و سنتهای خرافی قبیله یی، استوار بوده، از پیشرفتهای علوم و درخشش انواع فعالیتهای خلاقه هنری، تهی بوده است. بنابراین ایشان چیزی را ندیده و نه فهمیده، بصورت**

کورکورانه و بگونه تخیلی روی ان قضاوت کرده ، حکم دلخواه خویش را صادر می نمایند.

شمار دیگری که تاحدودی مطالعه هم دارند؛ ولی نسبت روابط سیاسی و استخباراتی ای که خود آنان ویا پدران شان با شبکه های استخباراتی انگلیس - امریکا و کشورهای عرب و منطقه، مانند عربستان سعودی، پاکستان، ایران ... داشته اند؛ مأمور و موظف شده اند تا در برابر نهضت های آزادیخواهی و هر نوع تجدد خواهی و فعالیت های خلاقه انسانی که بر رشد و تکامل فکری انسان و تنویر توده های مردم سودمند و مثمر قرارگیرد؛ با استفاده از باورهای دینی و مذهبی مردم، دست به تبلیغات خصمانه بزنند، تا مردم را کمافی السابق در تاریکی نگهداشته، آب به آسیاب کشورهای استعماری و مزدوران منطقه پی و داخلی آنان بریزد.

تبلیغات گمراه کننده آنان، از جمله "ملای لنگ" در سمت جنوبی بدستور استخبارات انگلیس، برضد برنامه های ترقی خواهانه شاه امان الله، یگانه پادشاه تحول طلب و مردم دوست کشورمان، که منجر به سرکوب نهضت مشروطیت دوم و بقدرت رسیدن جنرال محمد نادر نماینده اصلی دولت انگلیس گردید و افغانستان را برای صدها سال از کاروان تکامل جامعه بشری به عقب راند؛

فعالیت های وحشتبار و برنامه ریزی شده آنان، در بیش از چهل سال اخیر، بدستور همین دشمنان معلوم الحال داخلی - منطقه پی و بین المللی کشورمان، برضد نهضت دموکراتیک عدالت خواه افغانستان که تا هم اکنون بصورت آشکار ادامه دارد؛ برای همه گان معلوم و هویداست و هیچ کس نمیتواند از آن انکار کند.

اما در عین زمان باید بصراحت اذعان داشت که این گونه تاریک اندیشی و همه چیز را سیاه دیدن؛ مزدوری و انجام خدمت به دشمنان میهن و مردم مان؛ شامل حال همه روحانیون نبوده است. شمار زیادی از روحانیون خداپرست، وطن دوست و مردم دار بوده و هستند که مثل اینها، دین مبین اسلام را آله دست کشورهای غارتگر خارجی قرار نداده و وسیله زراندوزی و خریدن قصرهای وزیراکبر خان و زمینهای شاهان پیشین در کابل و هرات و... نکرده اند.

این علمای جید و روشن ضمیر کشورما در طول تاریخ برضد استعمارکهنه و نو، مبارزه کرده، از اندیشه ها، برنامه ها و اقدامات ترقی خواهانه و تحولات و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی در افغانستان حمایت نموده اند، که نمونه های مشهود آن را در مبارزات آزادیخواهی برضد استعمار انگلیس و حمایت بی دریغ از

تحولات دموکراتیک و عدالت خواهانه دهه هشتاد میلادی، در وجود شورای عالی علماء و روحانیون افغانستان، میتوان مشاهده کرد.

از آن جایی که نزد شماری از روحانیون و علمای دینی شاید معلومات دقیق پیرامون هنر و از آن جمله موسیقی کمتر بوده باشد، بدان ملحوظ بیمورد نخواهد بود تا درگام نخست معلومات مان را در مورد این که هنر چیست و موسیقی از کجا برخاسته و هر دو چی رسالتی را در امر تنویر جامعه و بازتاب واقعیت‌های زندگی و ارتقای سطح آگاهی توده های مردم ایفاء می نمایند؛ باهم میهنان ما شریک سازیم :

آنچه را که ما از بزرگان ادب، پژوهشگران فرهیخته و فرهنگیان شهیر برداشت کرده ایم : "هنر انواع مختلف فعالیت خلاقه انسانی مانند موسیقی، تاتر، سینما، معماری، حجاری، نقاشی، ادبیات و غیره را در بر میگیرد و آنچنان شکلی از شعور اجتماعی است که واقعیت را به شکل چهره های مشخص هنری (نه به شکل مفاهیم تجریدی علمی) منعکس میکند و نه تنها وسیله درک واقعیت از طریق چهره است، بلکه افزار تأثیر معنوی است.

تاریخ پیدایش هنر بسیار کهن است و حتا به دورانهای ابتدائی کمون اولیه و قبل از آن به دوران گله های انسانی ( نقاشی غار بوسیله انسانهای نه‌آندرتال) باز میگردد.

هنر به صورت شکل ویژه ارتباط انسانها با هم و انسانها با طبیعت بروز میکند و بیش از پیش به یکی از مهمترین افزار «خود آگاهی» و «خود بیانگری» دورانهای تاریخ بدل میگردد.

وظایفی که هنر انجام میدهد عبارت است از:

**یک:** وظیفه معرفتی برای شناخت عمیقتر زندگی و انسان و دوران معین تاریخ؛

**دو:** وظیفه تربیتی برای دگرگونی انسان در جهت تکامل اخلاقی و معنوی خویش؛

**سه:** وظیفه استه تیک برای بالا بردن سطح ذوق و سلیقه و حساسیت و ظرافت روحی و قضاوت استه تیک انسان.

"هنرمند که ایجاد کننده اثر هنری است طبیعت و زندگی را از دیدگاه خود بیان میدارد و آنرا به دادگاه جامعه میفرستد. ولی به علت تأثیر اجتماعی - تربیتی اثر خود، در قبال جامعه مسئول است".

و اما، موسیقی چیست؟ موسیقی هنر بیان احساسات به وسیله ی صداهاست؟ موسیقی تراوش احساسات و اندیشه‌های آدمی و مبین حالات درونی وی می‌باشد؛ موسیقی یا ترانه به هر نوا و صدایی گفته می‌شود که شنیدنی و خوش‌آیند باشد و انسان یا موجودات زنده را دچار تحول کند. موسیقی بیان احساسات انسان است به وسیله اصوات. موسیقی هنری است دارای نوا و سکوت. ارائه تعریف آکادمیک موسیقی موضوعی است که برای قرن‌ها مورد بحث صاحب‌نظران بوده است.

ابوعلی سینا می‌گوید: موسیقی علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها، از نظر ملایمت و تنافر و چگونگی زمان‌های بین نغمه‌ها بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تألیف کرد.

ابونصر فارابی در احصاءالعلوم موسیقی را علم شناسایی الحان می‌داند که شامل دو علم است: یکی علم موسیقی عملی و دیگری علم موسیقی نظری. امروزه نیز این تقسیم بندی در موسیقی وجود دارد.

افلاطون در تعریف موسیقی می‌گوید: "موسیقی یک ناموس اخلاقی است که روح و جهانیان و بال به تفکر، و جهش به تصور، و ربایش به غم و شادی، و حیات به به همه می بخشد."

### مولانای بلخ و موسیقی :

روح پرفتوح مولانا که همیشه با هنر زیبایی همراه بوده منشاء و سرچشمه سنت های مختلف موسیقی شده است. از جمله به موسیقی طریقه مولویه در عثمانی و بسیاری از سبک‌های دیگر مانند هندوستان می‌توان اشاره کرد که هر کدام سبکی خاص است برای نزدیک تر شدن به قلب و درون و منشاء آن روح پرفتوح او....

مولانا در عقاید و افکار و تعلیمات خود به سه عنصر علم الجمال تکیه کرده بود. «عشق، موسیقی و سماع» و در تمام آثار خود، از موسیقی به عنوان «یک هنر متعالی» یاد میکند. او معتقد بود: «آنجا که سخن باز می ماند موسیقی آغاز می شود». زبان موسیقی زبان جهانی و زبان عاشقان است.

اساس موسیقی مولویه را سه عنصر: ریتم، صدا، ملودی (نغمه) تشکیل میدهد. سازهای ریتم دار هر یک به تنهایی نوها و تاثیراتی دارند. صدا نیز، به تنهایی چنان است. اما نغمه واسطه و وسیله ای است که ساز و صدا را به هم می آمیزد و از مجموع آنها آهنگی خوش اما یکنواخت به گوش می رساند، و همین ترکیب آهنگ یکنواخت است که اساس موسیقی مولویه را تشکیل میدهد و چنان تأثیری در شنونده میگذارد که او را به عالم خلسه و مراقبه می کشاند و به خود خویش متوجه می سازد.

با نواختن نی و رباب و دف و بربط، و با دست افشانی و پای کوبی، و با متابعت از تعلیمات مولانا، شنوندهء محرم و درد آشنا، به جمع درویشان و مریدان و عاشقان مولانا می پیوندد، همراه با آنان بسوی عالم ملکوت پر می گشاید تا به حریم «هو» راه یابد و در «او» فنا گردد. سازها و مقام های که به هنگام سماع درویشان نواخته می شده و مولانا و مریدان را به وجد می آورده بدون تردید مایه ای و ریشه ای در موسیقی سرزمین خراسان و آسیای مرکزی داشته است. زیرا مولانا در بلخ که مرکز خراسان آن روزگاران بوده به دنیا آمده است، و دوران خرد سالی و نوجوانی خود را در آن سامان می زیسته است، و مثل همهء انسان ها، در تمام عمر تحت تاثیر آداب و رسوم و ذوق و سلیقه و حال و هوای زادگاهش بوده است.

مولانا با موسیقی و با مقام های موسیقی زمانه اش آشنا بوده، مقام هایی که هنوز هم بعد از گذشت هفت قرن در خراسان زمین و در نزد مولویه، به همان نام نامیده می شوند و با همان ریتم و آهنگ نواخته می شوند.

### به غزل زیر از دیوان کبیر توجه کنید:

ای چنگ پرده های سپاهانم آرزوست	وای نای ناله خوش سوزانم آرزوست
در پرده حجاز بگو خوش ترانه ای	من هدهدم صغیر سلیمانم آرزوست
از پرده عراق به عشاق تحفه بر	چون راست وبوسلیک خوش الحانم آرزوست
در خواب کرده ای ز رهاوی مرا کنون	بیدار کن به زنگله ام کانم آرزوست
این علم موسیقی بر من چون شهادت است	چون مومنم شهادت وایمانم آرزوست
ای عشق عقل را تو پراکنده گوی کن	ای عشق نکته های پریشانم آرزوست
ای باد خوش که از چمن عشق می رسی	بر من گذر که بوی گلستانم آرزوست
در نور یار صورت خوبان همی نمود	دیدار یار و دیدن ایشانم آرزوست

(برگرفته از سخنرانی سمیع رفیع در محفل هشتصدمین سالگرد مولانای بلخ)

## خواننده عزیز!

اکنون شما قضاوت فرمایید که کدام عالم جید و دانشمند بزرگ دیروز و امروز گفته است که موسیقی حرام است و یا برپایی محافل موسیقی و کنسرت را فحشاء تعریف و تفسیر کرده باشد؟

## حمایت کنندگان لغو کنسرت!

صمیمانه برایتان می‌خواهیم بگوییم که منتظر جواب تان نبودیم. زیرا میدانستیم جواب تان چه خواهد بود. سکوت بهتر از تکرار است. در این جا نظر یکتا دیگر از دانشمندان اسلام را در مورد "موسیقی در اسلام"، باهم تقسیم میکنیم: هنر در حقیقت يك نوع زیبایی است، هنر می خواهد زیبایی‌های طبیعی را زیباتر کند، تکمیل کند یا در نظر انسان مجسم کند، در آن حد که هنر می خواهد جنبه‌های زیبایی آفرینش را به انسان نشان بدهد و آدمی را متوجه زیبایی‌های آفرینش بکند، در این حد است. بر طبق آیات قرآن و روایاتی که می گوید: «خدا این جهان را با همه ی زیبایی هایش آفریده است تا شما از آن بهره مند شوید» فقط می توان گفت که اسلام چنین هنری را حتا به طور مجموعی و به صورت کلی تشویق هم کرده است.

کنسرت شفیق مرید، درحالی لغو شده است که تلویزیونهای افغانی آهنگ های او و دیگر آوازخوان های افغانی، هندی، ترکی و ایرانی را همواره پخش می کنند. شفیق مرید، آوازخوانی جوانی است که در یک دهه گذشته به شهرت رسید. او به زبانهای فارسی و پشتو آواز می خواند و بیشتر آهنگ هایش را خودش می سازد. شفیق مرید، از معدود هنرمندان جوانی است که طرفداران زیادی در افغانستان دارد.

**هوطن عزیز!** خبر را مطالعه نمودید؛ اما شگفت آور این است، که چنین مخالفتی با هنر و خوشی مردم غمدار ما، از سرزمین هنرخیز، هنر پرور و هنر دوست؛ یعنی، از هرات باستان ابراز می گردد. مسلم است که مردم با هنر میهن ما به آن وقعی نخواهند گذاشت. آنچه در اسلام حرام است، تندروی و خشونت بوده است نه زیبایی. در حالکه این روحانی اگر واقعاً طرفدار تطبیق احکام دین مبین اسلام باشد؛ می تواند به جا، به مورد و به حق مخالفت خود را با پدیده های منع شده به وسیله دین اسلام، مانند: حملات انتحاری و ترورستی، جنایات و کشتار انسانهای بی گناه، سنگسار، بریدن گوش، بینی و زبان زنان؛ زرع و تجارت مواد مخدره و



فساد اداری ابراز کند که هر روز جان صدها انسان میهن بخون نشسته ما را قرابانی می گیرد؛ نه هنر و موسیقی که هر دو روزانه برای مردم ما خوشی ببار می آورد و در رشد و تکامل فهم و دانش مردم ما نقش ارزنده ای را ایفاء می کند.

روی همین برداشت درست از هنر و موسیقی بود که صدها تن از شهروندان فرهنگ دوست هرات از جمله ده ها تن از روشنفکران آزاد اندیش و فعالان نهاد های جامعه مدنی در این شهر روز سه شنبه ۲۱ آگ ست در یک تجمع اعتراض آمیز به لغو شدن کنسرت شفیق مرید واکنش نشان داده و آن را محکوم کردند. معترضان با صدور قطعنامه ای آنچه را که "گسترش افراطی گری" خواندند محکوم کردند.



تعدادی از معترضان پلاکاردهای را در دست داشتند که بر آنها نوشته شده بود: "افراطی گری بس است". شماری از شرکت کننده گان این تجمع می گفتند: "مسأله تنها لغو برگزاری کنسرت آقای مرید نیست؛ بلکه مسأله ی اصلی تلف شدن حقوق جوانان است". قرار بود شفیق مرید، آواز خوان شناخته شده افغان، روز سه شنبه به مناسبت روز سوم عید فطر، در استدیوم ورزشی شهر هرات به اجرای کنسرت پردازد؛ اما این کنسرت به علت مخالفت شدید خطیب یکی از مساجد شهر هرات لغو اعلام شد. اما سید مخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان می گوید دلیل اصلی لغو کنسرت آقای مرید ظاهراً نگرانی های امنیتی در هرات بوده است. آقای رهین افزود: " بار اول نیست که در افغانستان در اعیاد و یا غیر اعیاد کنسرت برگزار می شود؛ اما این بار ظاهراً نگرانی امنیتی مطرح بوده و در غیر آن برگزاری کنسرت در افغانستان ممنوع نیست". اما فعالان جامعه مدنی تاکید می کنند که کنسرت شفیق مرید پس از آن لغو شد که یک روحانی محلی، برگزاری چنین کنسرت هایی را "ترویج فحشا" خواند و از مردم خواست به این کنسرت نروند و جلو برگزاری آن را بگیرند. فعالان مدنی می گویند مقام های محلی نیز پس از

اعتراض شماری از کسانی که در حمایت از این روحانی گردهم آمده بودند، کنسرت شفیق مرید را لغو کردند.



نیروهای امنیتی از احتمال برخورد فیزیکی نگران بودند و به همین دلیل تدابیر امنیتی بسیار شدید در آنجا اتخاذ شده بود. گردهمایی با آهنگ‌های شفیق مرید که از طریق بلندگوها پخش می‌شد، آغاز شد و با آهنگ‌های آقای مرید ادامه یافت. شماری از شرکت کننده گان این گردهمایی گفتند که "از پایمال شدن حقوق جوانان در افغانستان به ستوه آمده اند".



در قطعنامه پایانی این گردهمایی نیز با لحن شدیدی از آنچه گسترش افراطی گری خوانده شد ابراز نگرانی شده بود. در قسمتی از این قطعنامه که از سوی خلیل پارسا مسئول شبکه هماهنگی نهادهای مدنی هرات قرائت شد، آمده است:

"مردم شریف هرات! این جای بسی ننگ است که هرات که روزگاری مهد نشر علم و فرهنگ بود و کبوتران صلح از این دیار به حرکت می آمدند، امروزه

کاروان سفرای صلح در این شهر توسط عده ای خاصی زمین‌گیر شده و از ایجاد پیام و شور و شوق در میان مردم جلوگیری می‌شود".

شفیق مرید آواز خوانی است که حالا طرفداران زیادی در افغانستان دارد. بسیاری او را خواننده‌ای توصیف می‌کنند که با آهنگ‌های حماسی و میهنی سهمی در تقویت روحیه وحدت ملی در افغانستان دارد



**حضرت امام خطیب، بزرگوار!** متوجه شده اید که چه عملی را مرتکب شده اید؛ چه خود میدانید که در کشور ما جنگ جریان دارد؛ اهالی با شرکت در این گونه کنسرت‌ها و محافل فرهنگی، از یک طرف غم و اندوه قلبی شان را رفع می‌کنند و تسلیت می‌یابند و از سوی دیگر سرودهای میهنی، بیان‌کننده صلح و آشتی، طرفین درحالت جنگ را به هم نزدیک می‌سازد؛ ولی جناب شما با جلوگیری از این کنسرت در واقعیت امر جنگ را تشویق نموده اید و به غم و اندوه اهالی آنجا افزوده اید. اگر واقعن وطنپرست استید و به "وَحِبُّ الْوَطْنِ مِنَ الْإِيمَانِ" باور دارید، چه خوب است که مردم کشور را به دادن جواب بالمثل در برابر انداختن‌های راکتی نظامیان پاکستان از آن سوی خط دیورند، برای دفاع از تمامیت ارضی کشور فرا بخوانید! اگر خواهان جهاد علیه فساد استید، شایسته تر است، که مردم را برضد خشونت و ترحم در برابر زنان و کودکان دعوت کنید؛ حملات انتحاری را تقبیح کنید؛ زرع و تجارت مواد مخدره را نکوهش و سرزنش نمایید؛ و دولت را به مبارزه جدی علیه فساد اداری وادارید؛ نه اینکه خوشی مردم را می‌گیرید و راه رسیدن به آشتی ملی را مسدود می‌نمایید. از طرف دیگر این رفتار شما مبین این

امر است، که شاید در عمل و در قلب از حامیان طالبان و از همکاران آی. اس آی بوده باشید. بنابراین مقامات امنیتی آنجا، به جای تطبیق تقاضای شما در جلوگیری از آن کنسرت، بایست متوجه کنه عمل شما می شدند و خود شما را مورد سوال قرار می دادند، که متأسفانه نه داده اند و بعد از این باید بدهند.

25 اگست 2012